



دکتر رحیم عقیقی

بهمن نامه^۱

آگاهی چنین است که در تاریخ ادب ایران ، قرن چهارم و پنجم هجری دوران شکوفائی منظومه های حماسی است . شاهنامه فردوسی در این زمان پدید آمد ، و در همین دورانست که به پیروی از استاد طوس ، حماسه سرایان دیگر داستانهای ایران باستان را برشته نظم کشیده و سخنها گفتند . این آثار هرچند از جهاتی با سخنان سخنور طوس برابری نمیکند ، ولی در حد خود از اهمیت شایانی برخوردارند ، و به گفته دانشمندان : " این حماسه ها حماسه هائی پیرامون شاهنامه و ملحقاتی بر آن هستند " . (۲)

یکی از این حماسه ها که در اواخر قرن پنجم یا اوائل قرن ششم هجری سروده شده و از نظر زبان فارسی دارای اهمیت ویژه میباشد ، بهمن نامه یا اخبار بهمن است . صاحب مجمل التواریخ والقصص ، آنجا که از گردآوری تاریخ شاهان عجم سخن میگوید ، یکی از کتابهایی را که از آن بهره ور گشته اخبار بهمن یاد میکند ، و در جای دیگر ، زمان مرگ زال را که در ایام دارا صورت گرفته در هیچ کتاب نمی یابد ، جز بهمن نامه (۳) . بهمن نامه منظومه ایست حماسی ، به بحر متقارب ، مثنی مخذوف یا مقصور درباره زندگی بهمن پسر اسفندیار پادشاه کیانی و ستیزه های او با خاندان رستم زال .

سراینده^۶ منظومه و زمان او .

سراینده این منظومه به گفته صاحب مجمل التواریخ و القصص حکیم ایرانشاه بن ابی الخیر است . ولی رضاقلیخان هدایت در مجمع الفصحا آورده : بهمن نامه مثنوی است بوزن تقارب با اشعار خوب ، . . . و گویند جمالی مهریجردی ناظم آنست . و در جای دیگر جمالی مهریجردی مصنف بهمن نامه را از شاعران همزمان سوزنی سمرقندی ، برهانی ، عمق بخاری ، لامعی جرجانی یاد کرده و افزوده که لامعی با شاعران مذکور مناظره و مشاعره داشته است (۴) .

استاد فقید شادروان سعید نفیسی با توجه بنویشته‌های هدایت در مقاله‌های معاصر بودن لامعی و جمالی را مردود دانسته‌اند (۵). در تذکره‌های فارسی نامی از جمالی مهریجردی و خصوصیات او دیده نمی‌شود و معلوم نیست ماخذ آگاهی هدایت در این باره از کجا بوده است. با توجه به اینکه صاحب مجمل التواریخ والقصص که از معاصرین سراینده کتاب بوده و بطور آشکار بهمن نامه را از حکیم ایران‌شاه ابی‌الخیر یاد میکند تردیدی نمی‌ماند که این حماسه از همین گوینده می‌باشد (۶). در نسخه‌های موجود بهمن نامه از نام سراینده آگاهی درستی بدست نیاید، از دیباچه دو نسخه چنین دانسته می‌شود که گوینده پیرو آئین اسلام و با احتمال زیاد شیعی مذهب بوده است.

در همین دیباچه در ستایش سلطان محمد پسر ملک‌شاه سلجوقی ابیاتی آمده و از آشوب و غوغا و قتل و غارت‌ها که پس از مرگ ملک‌شاه پدید آمده سخن رفته و یادآور شده که این سلطان توانسته با رشادت اوضاع را آرام و یاغیان را سرکوب نماید، ماجرای جنگ و ستیز و رشادت سلطان محمد داستان بهمن اسفندیار را بیاد سراینده کتاب آورده و آنرا بشعر فارسی سروده است، ولی بسبب ناتوانی و پیری، خود او نتوانسته آنرا عرضه نماید، و بوسیله جگرگوشه‌های آنرا بدرگاه خسرو فرستاده است. از آنچه یاد شد و با توجه بنویشته‌های تاریخی چنین دانسته می‌شود که ایران‌شاه ابی‌الخیر سرودن بهمن نامه را در فرجامین سالهای سده پنجم هجری آغاز و در نخستین سالهای سده ششم به پایان برده است. گفتنی است که در میان دانشمندان این عصر، نام شهردان بن ابی‌الخیر رازی منجم و ریاضی‌دان معروف صاحب کتاب البدایع و روضة المنجمین و نزهت نامه علائی و ارتباطی که می‌تواند با ایران‌شاه ابی‌الخیر داشته باشد شایان توجه است، شهردان ابی‌الخیر رازی در مقدمه نزهت نامه علائی در سبب‌گرد آوری کتاب می‌گوید: پس از فراهم آمدن کتاب البدایع که به تازی بود در صدد برآدم کتابی به پارسی دری فراهم کنم - آنچنانکه همگان آنرا دریابند. وی پس از فراغ از زیارت و نقصان کردن و بکار بردن سخنهای متداول در آن، فصلی را به داستانهای ایران باستان اختصاص داده و برای زینت و بزرگداشت، کتاب را بنام علاء‌الدوله خاصک ابوکالیب‌جارگر - شاسف‌حسام امیرالمؤمنین، نزهت نامه علائی نام گزاری میکند (۷) نام ایرانی ایران‌شاه و شه مردان، ویکی بودن نام پدر آنان، و علاقه و دل‌بستگی هر دو به گسترش زبان فارسی، و زنده کردن داستانهای ایران باستان - که بی‌گمان ماخذ آنها را در اختیار داشته‌اند - و نیز همزمان بودن آنان، قرآنی هستند که می‌توان این دو شخصیت علمی و ادبی را که درخاندان علم و ادب پرورش یافته‌اند برادر دانست و در صورت پذیرفتن چنین نظری، ایران‌شاه ابی‌الخیر، رازی، وزادگاه او شهر ری می‌باشد.

موضوع بهمن نامه آنچنانکه گفته شد داستان زندگی بهمن پسر اسفندیار پادشاه کیانی و ستیزه جوئی های او با خاندان رستم زال است. بهمن که قهرمان این داستان است در نوشته های باستانی و تاریخی دارای شخصیتی خاص است. در این آثار وی پایان دهنده دوران پهلوانی و سرآغاز دوران تاریخی است. کارهای او در بهمن نامه مربوط بدوران پهلوانی است. بهمن نامه دارای چهاربخش و خلاصه آن چنین است: در بخش نخست داستان را دهقان موبدنژاد آغاز میکند و نظری گذرا از کیومرث تا اسفندیار افکنده و پس از کشته شدن اسفندیار بدست رستم، از پادشاهی بهمن سخن میراند. وی پس از رسیدن بشاهی عدل و داد پیشه میکند و روزگار را بخوشی میگذراند. دستور او جاماسب وی را راهنمایی میکند که زنی از تخمه بزرگان انتخاب کند. رستم او را تأیید و دختر پادشاه صورکشمیر را پیشنهاد مینماید. با اوصافی که از دختر برای بهمن گفته میشود، بدینکارتن میدهد. خواستگاری انجام میگردد، و کتابیون دختر پادشاه صور با غلامی بنام لوءلوه که مورد علاقه اش بوده به ایران میآید. کتابیون با تردستی و فریبکاری اختیارات ملک را از بهمن گرفته به لوءلوه میدهد و بهمن را بشکار میفرستد. آنگاه برای دستگیری و نابودی او اقدام میکند ولی در اینکار توفیق نمی یابد. بهمن بمصر فرار کرده مدتی در آنجا ناشناس بسر میرود تا آنکه لوءلوه او را از پادشاه مصر میخواهد. دختر پادشاه مصر بنام هما، در اثر برخوردی که با بهمن پیدا میکند شیفته او میشود و با وی ازدواج میکند. سپس بهمن با یاری سپاهیان مصر با ایران حمله کرده لوءلوه را شکست داده او را بزدان می افکند، و پس از مدتی با پایمردی سرداران او را از ایران اخراج مینماید، و گیسوان کتابیون را به اسب وحشی بسته در بیابان رها میسازد. در این هنگام خبر کشته شدن رستم که بوسیله برادرش شغاد صورت گرفته به بهمن میرسد و پس از یک هفته سوگواری آماده انتقام خون پدر خود از فرامرز پسر رستم و خاندان زال میشود. دومین بخش با آراستن سپاه بخونخواهی اسفندیار، برای ستیزه با فرامرز و زال آغاز میگردد. خیر لشکر کشی بهمن به زال و فرامرز میرسد. پوزش خواهی از طرف زال و ارسال هدایا برای بهمن اثری نمی بخشد و جنگ سختی میان سپاهیان دو طرف در میگیرد. سرانجام سپاه ایران شکست میخورد. جاماسب فرزانه در حساب نگرسته و به بهمن میگوید در سه نبرد شکست با ایران و در چهارمین پیروز خواهند شد. ماجرا بهمن ترتیب پیش میرود و اتفاقات و جریاناتی پیش میآید و در ستیز چهارم فرامرز گرفتار و بدار آویخته میشود. زال در قفس آهنین زندان و بر پشت ژنده پیل نگاهداری، و سیستان با خاک یکسان و گنجهای زال غارت میشود و سایر افراد خانواده رستم به کشمیر فرار میکنند. در بخش سوم از ماجرای فرار دختران رستم و کسان او به کشمیر و دیگر نواحی هند، و تعقیب آنان بوسیله بهمن و بازدید بهمن از دخمه پهلوانان، و تجدید بنای سیستان، و واگذاری آن به زال و خاندان رستم، و نیز از گرفتاریها و بلاهایی که بر زال و کسان او وارد آمده، بطور مشروح سخن رفته است. در این

بخش، قهرمان تلزه‌ای که ظاهراً فرزند فرامرز بوده و در سرزمین هند دنیا آمده، و اینک برای یاری پدر خود بایران میرفته، در صحنه آشکار میگردد. کشمکش‌های بهمن از این پس با وی که برزین آذرنامه‌میده میشده ادامه می‌یابد. در آغاز بهمن با خدعه و فریب اورادستگیر و زندانی میکند، کوشش و تلاش برای رهایی او از طرف زال و دیگر سرداران بی نتیجه میماند و او را با ماهاندژ میفرستد. در راه ماهاندژ، برزین آذر با یاری پهلوانی بنام رستم توراز زندان آزاد گشته و با فراهم آوردن سپاه، ستیزه را با بهمن آغاز میکند، و پس از نبردهای مکرر و ماجراها و اتفاقات گوناگونی که رخ میدهد، سرانجام کار بصلح میانجامد، و برزین آذر به سپهسالاری لشکر ایران برگزیده میشود.

پس از مدتی بهمن خوابی هولناک می‌بیند، حاماسب فرزانه نزدیک بودن مرگ او را پیش‌بینی و پیشنهاد میکند که هما را بجانشینی خود برگزیند. بهمن همچنان میکند و در سفری که به اتفاق برزین آذر و رستم تورمیکرده جنگ با ازدهائی می‌رود ازدها او را می‌بلعد، و هما پس از برگزاری مراسم سوگواری به تخت شاهی می‌نشیند، و عدل و داد پیشه می‌سازد. داستان در اینجا پایان می‌یابد.

اهمیت و ارزش خصوصیات بهمن نامه.

داستان زندگی بهمن پادشاه کیانی که از نوشته‌های کهن بشعر فارسی سروده شده صورت حماسه و خصوصیات یک حماسه ملی را در بر دارد.

اهمیت منظومه بیشتر از نظر زبان فارسی وزنده نگاهداشتن یکی از داستانهای ایران باستان است که مآخذی غیر از شاهنامه فردوسی و نوشته‌های تاریخی دارد. تأثیر جنبشی که از دو قرن پیش از سرودن این منظومه برای زنده نگاهداشتن زبان فارسی میان نویسندگان و گویندگان ایرانی پدید آمده بود در این منظومه بخوبی آشکار است و در متجاوز از ده هزار بیت که مجموعه این داستان را تشکیل میدهد واژه‌های دخیل در آن بسیار اندک بکار رفته و این خود بی گمان بهترین گواه است که گوینده این داستان در عین حال که فردی مسلمان و پای بند اعتقادات اسلامی بوده به زبان خود دل بستگی فراوان داشته و توانسته است بازنده کردن یکی از داستانهای کهن و بکار گرفتن واژه‌های فارسی در قالب زبانی شیرین و پرورده یادبودی از خود بجا گذاشته و گفته ژول مول را که "زبان نگهدار یادبودها و به ملتها روح ملی و میهنی می‌بخشد" (۸) تحقق بخشد.

خصوصیات یک اثر حماسی، شامل وصف پهلوانیها، جنگ و ستیزه‌ها، کارهای خارق العاده و بالاخره آنچه ارتباط با تمدن قومی دارد در بهمن نامه بکار رفته و از بسیاری جهات درخور توجه و شایان نگرش و بررسی است. در بهمن نامه کار برجسته بهمن استواری در انتقامجویی و براین اساس داستان پایه ریزی شده است. تربیت بهمن را به توصیه اسفندیار رستم بعهدده

میگیرد و رعایت حق‌گزاری که از روشهای اخلاقی ایرانیان و از خصائص قومی آنان بوده، بهمین را ناگزیر میسازد که در ظاهر، کشنده پدر را که مری خود او بوده گرامی بدار دو مانع از ابراز آتش انتقامی که در درون او زیانه میکشیده بشود. تا آنجا که پس از شنیدن خبر مرگ رستم یک هفته بسوک می‌نشیند و پس از آن انتقامجویی از فرامرز پسر رستم و خاندان زال را تدارک می‌بیند و سپس تا پایان عمر در جنگ و ستیز بسر میرسد. نمونه این انتقامجویی در گفتاری که بهمین به فرستاده زال که با گنج و مال به پوزش خواهی نزد بهمین رفته است - میتوان دید.

برو کرد پر چین و پر خون دو چشم	برافراخت رخسار بهمین ز خشم
که دانم که داری در آن خانه پای	به تندی چنین گفت با رهنمای
برون کن ز دل یاد هرگز میسار	همی گوئییم خون اسفندیار
چو یابند از این داستانها نشان	پس از من چه گویند گردنکشان
درم بستند و خون به خونی گذاشت	که فرزند خون پدرخوار داشت
و را باد گنج و مرا باد رنج	دلم خوش نگردد بمال و به گنج

سایر پهلوانان نیز در انتقامجویی از بهمین کم نیستند. فرامرز تا انتقام خون پسر خود سام را از ماهیار کشته‌اش او نمی‌گیرد آرامش خود را باز نمی‌یابد، و برزین آذر در انتقامجویی خون فرامرز چنین میگوید:

کدامین تو دیدی به گیتی پسر	به دشمن یله کرد خون پدر
بویژه پدر چون فرامرز گو	که چون او به گیتی نیامد ز نو
به کین پدر گر نکوشد پسر	ز مادر بود بی گمان بد گهر

صحنه‌های نبرد و آرایش جنگی در بهمین نامه جالب و وصف‌هایی که ایرانشاه از میدانهای جنگ و رزم آزمائشی‌ها میکند با شور و هیجان همراه است. در میدانهای جنگ سپاهیان بجان هم می‌یافتند، از آواز اسبان زمین بلرزه می‌آید و از بانگ ستوران و کرنای، چرخ از پای می‌افتند، از خروش لشکر، سروش از آسمانها میگریزد، و از تگ اسبان و غریب سواران مار و ماهی از آب سربرون میکنند. بسیاری از گردان‌خسته و مجروح، و از خون دلیران زمین لعل‌گون میشود. جنگ تن‌بتن میان دلیران و پهلوانان رواج دارد. بهمین خود چند بار بدینکار تن میدهد. پیش گوئیها را جاماسب فرزانه با حساب شمار اعلام میدارد. نیرنگ و فریب و تسلیل و جادویی در مبارزات میان بهمین و خاندان زال بکار گرفته میشود و طرفین بسته به پیش آمد بدینکار دست می‌دهند. در بهمین نامه از پند و اندرز، مطالب اخلاقی و فلسفی نیز سخن آمده و ایرانشاه هرکجا توانسته بمقتضای موقع و مقام از بیان این نوع سخنان خودداری نکرده و ستایش کارهای نیک و نکوهش کارهای بد را تأکید و از آوردن تمثیلهای درس‌عبرتی را ارائه داده است. نمونه‌ای از این گفته‌ها چنین است:

نکو داستانی زد آن پند ده
به اندازه کش پای زیر گلیم
شتر مرغ را گفت پیران عقاب
شتر مرغ نامی چو مرغان به پیر
نهانی نماید همی مشک و مهر
میند آنکه نتوان گشادن گره
نه چندانک باشد ز سر مات بیم
که از راستی هیچ سر بر متاب
و یا بار برگیر چندانکه خر
تهی دست را بد بود رنگ چهر

در باره سخن گوید :

سخن تا توانی همه نرم گوی
بگفتار شیرین ز سوراخ مسار
چه نیکو سخن گفت استاد من
سخن را هنر سر بسر کوهیست
سخن چون درستست کوه خوشست
بپاسخ همه روی آزم جوی
برون آوردم سردم هوشیار
هنوز آن سخن هست بریاد من
دراز ارچه خوش گوئی از ابله‌یست
دروغ آفرین از در آتش است

* * * * *

واژه ها ، اصطلاحات ، ترکیبات و نکات دستوری و صنایع لفظی ، خود بخش بسیار قابل توجهی را در بهمن نامه تشکیل میدهد. نمونه واژه ها : آختن ، آسیمه ، آهو ، اوباردن ، بی بن ، بیغاره ، برگست ، درآگاه ، زفت ، زکان ، ستان ، غمری ، قزآگند ، گست ، یازیدن . و نمونه اصطلاحات و ترکیبات و مثلها : با درفش تپانچه زدن ، بازی آوردن ، برشمردن ، برگرائیدن ، زبان دادن ، سر در پیش دست کردن ، کیمیا ساختن ، دایه مهربانتر از مادر ، در نومیدی سی امید است ، نه خرماند و نه خیک روغن درید ، هر که چه کند بهر کسی خود در او افتد ، هر که خر را بیام برد خود پائین آورد و ...

شاهنامه و بهمن نامه . داستان بهمن در شاهنامه فردوسی کوتاه و مغایرتهایی با آنچه در بهمن نامه آمده در آن آشکار و این خود میرساند که ماخذ گویندگان آنها یکی نبوده است . با وجود این ، ایرانشاه ابی الخیر از نظر لفظ و همچنین مضامین ، خاصه در اوصاف صحنه های سرد ، و آرایشهای جنگی ، و گفتگوهای پهلوانان ، تحت تأثیر سخنان فردوسی بوده و این تأثیر تا آنجا در بهمن نامه دیده میشود که بسیاری از مصرعها و ابیات با اختلاف یا پس و پیش شدن بعضی واژه ها بکار گرفته شده است . برای نمونه : ترا با نبرد دلیران چکار ، و یا شب آبستن است تاجه زاید همی ، و یا : پیک رزم برگشتی از کارزار ، و یا : تو گفتی که گردون درآمد ز جای و ...

نسخه های بهمن نامه . از بهمن نامه ایرانشاه ابی الخیر چندین نسخه در کتابخانه های ملی

پاریس و موزه بریتانیا و نیز بعضی کتابخانه های ایران موجود میباشد (۹). با بررسی تعدادی از آنها چندین نسخه انتخاب و ویراستن آن انجام یافته که امید است در آینده نزدیک در دسترس دوستداران فرهنگ ایرانی و پژوهندگان زبان فارسی قرار گیرد.

حواشی

- (۱) با امتنان از مدیر محترم مجله آینده، بسبب محدود بودن صفحات مجله، این مقاله کوتاه تهیه شده است. نظر بعضی از دانشمندان در موارد مختلف و نیز بعضی نکات تاریخی و بررسیهای لازم در پیشگفتاری که برای کتاب فراهم شده، آمده است.
- (۲) تاریخ ادبیات ایران، یان ریپکا، ۲۶۶۰.
- (۳) مجمل التواریخ و القصص / ۲ و ۹۲.
- (۴) مجمع الفصحا / ۱ و ۱۱۰ / ۴۹۴.
- (۵) مجله آینده سال اول / ۵۹۵.
- (۶) حماسه سرائی در ایران از استاد دکتر ذبیح الله صفا / ۲۸۹.
- (۷) داستانهای حماسی ایران در مآخذی غیر از شاهنامه، از استاد فقید شادروان مجتبی مینوی، مجله سیمرغ شماره ۲ ص ۹ و نیز مقاله ابوحاتم مظفر اسفرازی از البرت ناپلئون کمیانیونی مجله دانشکده ادبیات تهران شماره ۱ و ۲ سال پنجم.
- (۸) مقدمه زول مول بر شاهنامه / ۱۹.
- (۹) فهرست نسخه های خطی منزوی.

پژوهشگاه علوم کتابفروشی تاریخ

رتال جامع علوم انسانی

فروشگاه متون فارسی و کتابهای
مربوط به تحقیقات ادبی و تاریخی
و چاپهای قدیمی



خیابان انقلاب، روبروی سینما دیانا، ساختمان فروردین،
طبقه دوم - تلفن ۶۴۶۴۲۶